

استاد: آقای برات نژاد

جهدادانشگاهی واحد مشهد

نظریه های فرسنگی

تهیه و تنظیم: علیراده - غنچه

نظریه (تئوری) چیست؟

دیدگاه کنیجر: مجموعه ای از سازه ها یا مفاهیم، تعریف ها یا مفروضات و گزاره ها یا تعمیم های به هم مرتبط که از طریق مشخص کردن روابط میان متغیرها نگرش منظمی از پدیده عرضه میکند با این هدف که پدیده ها را تبیین و پیشبینی نماید.

سازه ها با مفاهیم

تعریف ها و مفروضات : بیانگر رابطه میان حداقل متغیر، تبیین یا پیشبینی — بیان علت

گزاره ها و تصمیم ها

نظریه فیگل: تعریف مجموعه های از مفروضات که می توان به وسیله روشهای منطقی ریاضی قوانینی از آن استنتاج کرد.

نظریه: مجموعه قوانینی است که به طور قیاسی با هم ارتباط دارند. نظریه عین واقعیت نیست بلکه درباره واقعیت است. نظریه به تبیین آنچه است می پردازد نه آنچه باید باشد. اگر نظریه بتواند تبیین درستی از واقعیت بدهد می تواند در عمل هم سودمند باشد. نظریه ممکن است به صورت غیر تجربی فراهم آمده باشد، مثل نظریه های رویارویی و یا جنبه تجربی داشته باشد بالاخره اینکه نظریه درب ورودبه واقعیت محسوب می شود.

انواع استنتاج در نظریه:

قیاسی: یعنی استدلال از کل به جزء یا استنتاج جزئیات از کلیات

استقرایی: از جزء به کل رفتن، یعنی یکبار وارد شهری می شوید اولین نفری که ملاقات می کنید، می بیند نابینا است نفر دوم را می بیند اونیز نابینا است و همچنین نفرات بعدی تا کل مردم این شهر؟ نابینا هستند جز را به کل تعمیم می دهیم. علوم تجربی بر استقرایی بنا شده اند. انسانهای عالم واقع را بدون نظریه نمی توانیم مطالعه کنیم، نظریه مثل جامعه ای است که بر تن واقعیت می پوشانیم. برای شناخت آن، واقعیات این عالم خیلی پیچیده هستند. واقعیات به گونه ای هستند که ما به یک ابزاری نیازمند می شویم. نظریه ها مثل عینک هستند که با آن تصویری از واقعیت را می بینیم. مردم عوام نسبت به نظریه آشنایی ندارند ولی نگاه دانشمندان عمیق تر به قضایاست و آگاهانه به مسایل نگاه میکنند. مثلاً همه مردان نسبت به زنان یک نگرشی دارند زنان هم نگرشی دارند.

انواع نظریه :

- 1- اثبات گرایی
- 2- تایید گرایی
- 3- ابطال گرایی

اثبات گرایی

وقتی نظریه ای در عالم واقع مورد آزمون قرار گیرد واثبات شود. بنابراین فرضیه ها نظریات اثبات نشده و نظریه ها فرضیات اثبات شده اند. مثلا خودکشی معلول بحرانهای اقتصادی است این یک نظریه است.

تایید گرایی

هرگاه نظریه ای مورد آزمون قرار گرفته و نتیجه مورد نظر حاصل شود، تنها تاییدی بر نظریه ماست. هرچه تعداد آزمونهای موفق بیشتر باشد، تاییدات بیشتری برای نظریه خواهد بود واین نشان دهنده استحکام نظریه است در عین حال نظریه هیچگاه تثبیت نمی شود.

ابطال گرایی

ما همیشه با فرضیات سر و کار داریم ،آزمون نظریه تنها به معنای ابطال شدن آن و پذیرش موقت آن است ،بنابراین نظریات، چیزی جز فرضیات ابطال شدنی نیستند، مهمترین مروج کارل پوپر است.

مراحل نظریه پردازان از نظریه پوپر

- 1- مواجهه با سوال ، معمولا یک سوال برای ما پیش می آید.
 - 2- فرضیه سازی
 - 3- آزمون فرضیه- در صورت ابطال ، یک فرضیه دیگر - ابطال نمی شود ،پذیرش موقت
- همه ما ناگزیر استفاده از نظریه هستیم، از این رو که نظریه ها برای تبیین و توصیف پدیده ها به کار می روند، یعنی بدون نظریه نمی توان درک درستی از رویدادها داشت ،نظریه به ما کمک میکند، تا بگوییم چه حادثه ای اتفاق افتاده است ،چرا اتفاق افتاده؟ و در آینده چه اتفاق خواهد افتاد؟

معیارها یا ویژگی های نظریه

الف: معیارهای منطقی

- 1- هر گزاره ای در نظریه، باید به کار شناخت واقعیتهای بیاید و هیچ گزاره زائدی نباید در نظریه وجود داشته باشد.
- 2- سازگاری منطقی ،یعنی اینکه گزاره های مختلف یک نظریه موید یکدیگر باشند نه ناقض همدیگر.

3- ابطال پذیری منطقی، یعنی باید نظریه به ما بگوید که در چه شرایطی امکان ابطال آن وجود دارد نظریه ای که امکان منطقی ابطال آن نباشد، غیرعلمی است (معنای دیگر ابطال پذیری آزمون پذیری است) گاهی نظریه هایی وجود دارد که به هیچ روشی نمی توان ابطال آن را فهمید.

4- نظریه باید به گونه صریح روشن و از حد و مرزهای مشخص برخوردار باشد یعنی به ما بگوید که چه داده های مشخصی، موید نظریه اند و چه داده هایی احتمالا، مبطل آن است. مثال: (دورکیم) یکسری عوامل را نام برده که برخوردکشی اثر دارد. بعنوان نمونه پایبندی دینی بر خودکشی اثر دارد.

ب- معیارهای تجربی

- 1- به گونه تجربی قابل آزمون بوده و به پیشگویی یا پسگوئی بپردازد. (پیشگویی تبیین یک واقعه قبل از وقوع است، مثلا درباره انقلاب که نظریه پردازی می کنیم، شکاف میان حکومت و مردم سبب انقلاب شد یعنی یک واقعه رخ داده را تبیین کند و هم پیشگویی کند).
- 2- تکرار پذیری یا بازتولید نتایج؛ یعنی اینکه در شرایط مشابه بتوان آزمون انجام داد.

ج- معیارهای اجتماعی

- 1- مسائل، تضادها و یا امور خلاف قاعده را که بر اساس نظریه از پیش شناسایی شده اند را بیان کند.
- 2- مجموعه مسائل علمی جدیدی را مطرح کند که لازم باشد دانشمندان روی آنها کار کنند.

د- معیارهای تاریخی

- 1- در معیارهای تاریخی، نظریه باید تمامی ملاک هایی را که پیشینیان جمع بندی کرده اند پاسخگو باشد و اگر معیارهایی را رد کند و کنار گذارد، حتما غیرواقعی بودن آن را ثابت کند.
- 2- قادر باشد تمامی داده هایی را که توسط نظریه های مرتبط قبلی جمع بندی شده را تفسیر و تبیین کند، مبنی بر اینکه آیا این داده ها واقعی هستند یا خیر.

نظریه اجتماعی - فرهنگی چیست؟ مجموعه ای از گزاره های اجتماعی فرهنگی منسجم است که هدف آن شناخت جهان اجتماعی فرهنگی است.

ابعاد نظریه اجتماعی فرهنگی

- 1- **بعد تبیینی:** بیان علل وقوع پدیده های اجتماعی

2- **بعد عاطفی- احساسی:** دانشمندان علوم انسانی کسانی هستند که دغدغه های خاصی دارند، مثلاً مارکس وبر، عقلانیت برایش خیلی مهم است.

3- **بعد هنجاری:** نظریه ها باید راه حل ارائه کنند. یعنی آنچه که نیست ولی باید باشد. جامعه شناسان در بعد هنجاری آنچه که نیست تبدیل به نظریه میکنند.

4- **بعد باز اندیشی و باز آفرینی:** یعنی ارتباط متقابل میان نظریه و عمل، نظریه های اجتماعی سبب تغییر نمادها و رفتارهای اجتماعی می شود و متقابلاً از آنها تاثیر می پذیرند.

فرهنگ چیست؟

- 1- معنای لغوی: فر به معنای شکوه و جلال و هنگ به معنای حرکت به سوی نور. هنگ مخفف آهنگ است.
- 2- در ادبیات فارسی: به معنای دانش، بزرگواری، آداب دانی و ...
- 3- در علم مردم شناسی: یکی از علوم است که فرهنگ جوامع مختلف را بررسی می کند. یعنی به مجموعه دانش ها، عقاید، تکنولوژی و هرچه که محصول زندگی اجتماعی انسان باشد، اطلاق می شود. به عبارت دیگر فرهنگ مجموعه امور اکتسابی راگویند.
- 4- در جامعه شناسی: فرهنگ از نظر جامعه شناسان معانی مشترک میان انسانهاست، فرهنگ شبیه یک صحنه گفتگوی مداوم است.

اجزا و عناصر مهم فرهنگ

فرهنگ از چهار رکن اصلی تشکیل شده است:

- 1- **باورها یا عقاید** 2- **ارزشها** 3- **هنجارها** 4- **نمادها**

باورها خود نیز به سه دسته تقسیم میگردند:

- 1- **هستی شناختی** 2- **ارزش شناختی** 3- **زیبایی شناختی**

باور هستی شناختی: اسم دیگر آن جهان بینی است که موضوع مطالعه فلسفه است، یعنی باور به اینکه چه چیزهایی در عالم هستی وجود دارد، به عبارت دیگر اینها گزاره های خبری هستند یعنی از عالم واقع خبر می دهند.

باور ارزش شناختی: اسم دیگر آن ایدئولوژی است که موضوع مطالعه اخلاق می باشد، باور به این که چه چیزهایی خوب و باارزش و چه چیزهایی بد یا ضد ارزش اند.

باور زیبایی شناختی: (موضوع مطالعه هنر) باور به اینکه چه چیزهایی زیبا و چه چیزهایی زشت هستند.

2- ارزشها:

شیوه ای از بودن یا عمل که مردم آن را به عنوان ایده آل یا زمان می شناسند.

اوصاف ارزشها:

- 1- آرمانی بودن وضعیت مطلوبی است که الان موجود نیست.
- 2- الهام بخش، قضاوت ارزشی هستند، یعنی ما به معنای ارزشها نسبت به رفتار دیگران قضاوت کنیم.
- 3- نسبیت ارزشها، یعنی نسبت به زمان و مکان تغییر پذیرند. آیا همه ارزشها نسبی هستند؟ هیچ ارزشی مطلق نیست.

اصل طلایی اخلاق: هرچه را برفود نمی پسندی برای دیگران میپسند.

انواع ارزشها:

- ارزشهای خادم (ابزاری): ارزشهای که در خدمت زندگی انسان هستند.
- ارزشهای مخدوم (غایی): ارزشهایی هستند که زندگی برای آنهاست. شادی، آرامش، ایده، معنی داری در زندگی (زندگی داری با هدف)
- 4- بار عاطفی ارزشها، ارزشها اموری عقلانی هستند و بیشتر مواقع با عواطف انسان آمیخته اند .
 - 5- سلسله مراتبی بودن، یعنی ارزشها مقیاسی از ارزشهای خیلی مهم یا مسلط و ارزشهای عادی هستند .

هنجارها :

یعنی شیوه ها، قواعد یا استانداردهای عملی، معنای دیگر، رفتارهای عادی است هرچه از نظر مردم غیرعادی بود ناهنجاری است.

انواع ناهنجاری ها و ضمانت اجرای آنها :

- 1- **اخلاقی** : هنجارهایی که مبتنی بر ارزشهای اخلاقی پذیرفته شده جامعه هستند، که ضمانت اجرای آنها در درون انسانها قرار دارد، مثل احساس گناه کردن (همان وجدان)
- 2- **اجتماعی** : هنجارهای مبتنی بر تعهدات افراد، گروه یا جامعه که ضمانت اجرایی آنها طیفی از عدم تائید و یا طرد کامل است.
- 3- **قانونی** : هنجارهای مبتنی بر قوانین و مقررات رسمی جامعه که ضمانت اجرای آن طیفی از مجازات های اقتصادی تا اعدام است .
- 4- **رویه ای** : هنجارهای مبتنی بر مقتضیات علمی، فنی، بهداشتی و یا عقل ، که ضمانت اجرای آن ترس از زیان های مالی یا آسیب جانی است . برخی از هنجارها دارای چند جهت هستند. (قانونی، رویه ای، اخلاقی، اجتماعی و....)

4- نمادها (سمبل ها)

تعریف منطقی نماد: دالی که برمدلولی دلالت کند. تعریف دیگر علامت یا نشانه ای که بجای واقعیتهای قرارگیرد.

عناصر نماد: دال: عدالت مدلول: واقعیت دلالت: رابطه بین این دو

انواع دلالت: قراردادی و یا طبیعی است.

دلالت طبیعی: دلالتهایی که درطبیعت به صورت طبیعی وجود دارد.مثل دود

دلالت قراردادی: دلالتی که توسط انسانها وضع شده باشد.مثل علائم رانندگی

کارکرد نمادها

1- بمنظور انتقال پیام و برقراری رابطه. 2- مشارکت در گروه

کارکرد یعنی اثر مفید یک عنصر در مجموعه.

انواع نماد

1- نمادهای همبستگی: نمادهایی که نشانه احساس همبستگی میان مردمان یک جامعه یا گروه هستند. پرچم نماد همبستگی است.

2- نماد سلسله مراتبی: علائمی که نشانه متمایز و تفاوت در درون سازمانها یا جامعه هستند. مثال نیروهای مسلح و درجات نظامی.

3- نمادهای تاریخی: نمادهایی که نشان دهنده حافظه تاریخی یک ملت و گذشته یک ملت است. شامل اماکن، اشیاء، افراد. مثال تخت

جمشید یک مکان است. یک مکان تاریخی گاهی اوقات یک شیء: شمشیر نادر، رستم یک نماد است سمبل تاریخی است.

4- نمادهای مذهبی: نمادهایی که نشانه باورها و عقاید مذهبی و دینی مردم هستند. شامل اماکن، افراد، اشیاء، زمانها و مانند آن می شوند.

افتلال نمادی: به عدم تفاهم بر سر معنای یک نماد در یک جامعه فاص

تمدن (Civilization) در زبان عربی دستور و حضاره

تمدن به لحاظ لغوی به معنای شهرنشینی است یعنی خلق و خوی شهرنشینی را به خود گرفتن. باستان شناسان تمدن را به وجود آثار باستانی و هنری ربط می دهند، مورخین، میراث گذشته یک جامعه را که به نسل آینده منتقل میشود را تمدن می نامند. سیاسیون آنرا به برقراری روابط خارجی و حسن جریان امور داخلی کشور تعبیر می کنند و جامعه شناسان تمدن را حالتی متری می دانند که ملتها در پرتو آن تحت تاثیر دانش های جدید قرار می گیرند.

تمدن بیشتر به ظواهر زندگی اجتماعی توجه دارد اما آنجا که پای معنا به میان می آید به فرهنگ ارتباط پیدا می کند.

فرهنگ و تمدن اسلامی

تمدن اسلامی یعنی آن ویژگی های زندگی اجتماعی که متأثر از اسلام است، یعنی تمدنی که به وسیله اعراب، ایرانیان، ترکها و دیگران با توجه به آموزه های اسلامی شکل گرفته است. تمدن اسلامی به دو دوره مشخص می شود:

دوره اول: از آغاز دعوت اسلامی و پیدایش اسلام در قرن هفتم میلادی تا سقوط بغداد به دست هلاکوخان مغول.

دور دوم: با پذیرش اسلام توسط مغولان و ایجاد حکومتهایی مثل عثمانی و صفوی تا اواسط قرن 18 میلادی .

نظریه های فرهنگی در قرن 20

علل و انگیزه های نظریه پردازی درباره فرهنگ در قرن بیستم

1- مهاجرت های گسترده و افزایش بی سابقه تماسها و ارتباطات فرهنگی، موجب توجه فزاینده به تفاوت های موجود میان فرهنگها شده است.

2- در خود کشورهای غربی بعد از جنگ جهانی دوم صحنه فرهنگی کاملاً دگرگون شده و صنعت فرهنگ نوعی آمیختگی میان تجارت و فرهنگ به وجود آورده است.

3- گسترش شبکه های ارتباطی در سطح جهان موجب شد تا رسانه ها نقش عمده ای در اشاعه و گسترش فرهنگ مدرن ایفا کنند.

4- تکثیر فرهنگها مثل فرهنگ توده ای، فرهنگ جوانان، فرهنگ قومی، فرهنگ پست مدرن و مانند آن گسترش مطالعات فرهنگی را ضروری ساخته است.

5- فرایند جهانی شدن فرهنگ واکنش های مقاومت آمیزی را برانگیخته و ضرورت بررسی روابط میان فرهنگ و قدرت در سطح جهانی را آشکار ساخته است.

برخی ویژگی های فرهنگ توده ای مدرن

1- در مقابل فرهنگ سنتی، نخبگان و ... قرار می گیرند.

2- برخاسته از متن زندگی مردم عادی است.

3- با ملاک کمی، فراورده های متعلق به فرهنگ توده ای هستند که مورد علاقه و استفاده شمار کثیری از مردم باشند و با مدارک کیفی بیشتر طبقات پایین جامعه مصرف کننده آن هستند.

4- تولید و مصرف فرهنگ از یکدیگر جداست فرهنگ نوعی تفنن است به سلیقه های رایج توجه دارد بجای مسائل جدی به مسائل احساسی که مهمترین آنها خشونت و سکس هستند، توجه دارد.

5- فرهنگ توده ای بیشتر محصول جوامع مرفه با تولید انبوه است که مهمترین دغدغه آنها فروش کالا است. به نظر برخی، فرهنگ توده ای جهان، فرهنگ امریکایی است که در حال تبدیل شدن به فرهنگ جهانی است. برخی دولتهای توتالینز (به معنی متمرکز و استبدادی) نمونه بارز هیلتر آلمان و شوری سوسیالیسم، مثل شوروی و آلمان از آنجایی که از رسانه ها برای بسیج توده ها استفاده می کردند در ترویج این فرهنگ نقش ایفا کردند.

سه معنای فرهنگ توده ای

1- فرهنگی که برای مردم تولید می شود و مردم جزیی از بازار یا مصرف کنندگان آن هستند و فرهنگ مجموعه ای از فراورده هایی است که تولید شده و به مصرف می رسد.

2- فرهنگی که از آن مردم است یعنی فرهنگ مجموعه فراورده ها و عقاید ارزشها و علایق عامه مردم را منعکس می کند مانند ویژگی های اخلاق، زیبایی شناختی یا ایدئولوژیک

3- فرهنگی که به وسیله مردم تولید می شود فرهنگ توده ها همان زندگی روزمره و کردار و شیوه های عمل مردم است و نظر را از مردم هم بیشتر طبقات پایین جامعه هستند.